

/

یکشنبه 26 اسفند 1397 کد مطلب : 51038

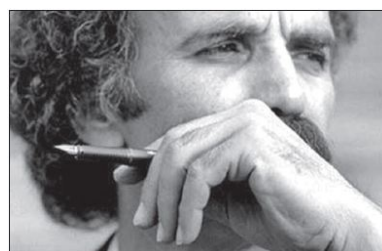
روایت بیماری هوشنگ گلشیری در روزهای آخر

مرگ گلشیری مرگ هر نویسنده‌ای نیست

شب‌نم سیدمجیدی

سال نحسی بود؛ سال مرگ نادر نادرپور، نصرت رحمانی، احمد شاملو و هوشنگ گلشیری... یک به یک از پی هم و به فاصله کم رفتند. سال 1379 بود که بیمارستان ایران‌مهر میزبان 2 نفر از برجسته‌ترین ادیبان ایران بود و به‌همین واسطه، شاعران و نویسندگان دیگر بودند که یک‌به‌یک به بیمارستان می‌آمدند. سیدعلی صالحی، سیمین بهبهانی، جمشید برزگر، جلال بابرام و خیلی‌های دیگر می‌آمدند و می‌رفتند. عمران صلاحی می‌گفت ایران‌مهر شده است کانون نویسندگان ایران. گلشیری در طبقه سوم بیمارستان بستری بود و شاملو در طبقه چهارم. گلشیری در اغما بود. فرزانه پرده اتاق را می‌کشید و می‌گفت گلشیری نمی‌خواهد دوستان او را این‌طوری ببینند.

به گفته فرزانه طاهری (همسر هوشنگ گلشیری) بیماری از پاییز 78 شروع شده بود؛ با سرفه‌های او. جواب آزمایش ریه، عفونت را نشان داد. یک دوره آنتی‌بیوتیک و ترک سیگار تجویز شد. چند وقتی گذشت اما وضعیت وخیم و گلشیری مدام ضعیف‌تر شد. چند روزی در بیمارستان بستری‌اش کردند. نمونه‌برداری از ریه نشان از آبسه داشت. دوباره آنتی‌بیوتیک تجویز شد. به خانه برگشتند اما سردرد امان گلشیری را بریده بود. دوباره او را به بیمارستان بردند. در آنجا تشخیص مننژیت بود. فروردین 79 بود. درمان شروع شد؛ تجویز آنتی‌بیوتیک‌های خاص و قوی که به گفته فرزانه باید از داروخانه‌های خاص تهیه می‌شد. در اسکن مغز 14 آبسه در مغز نشان داده شد که به گفته متخصص‌ها دیگر امیدی نبود. او را از آن بیمارستان به ایران‌مهر منتقل کردند تا جراح مغز و اعصاب یک آبسه را با جراحی درآورد و 2 آبسه دیگر را تخلیه کند. اما ایمنی بدن گلشیری چنان پایین آمده بود که در آخر به آن جمعه نحس سیزدهم خرداد رسید؛ همان روزی که گلشیری در ساعات اولیه صبح پس از 6 هفته بستری شدن در 2 بیمارستان مختلف، به اغما رفت. 3 روز بعد از آن، در تاریخ 16 خرداد مرگ او توسط پزشکان اعلام شد.



ادعای خطای پزشکی

فرزانه سال‌ها بعد وقتی عباس کیارستمی بر اثر خطای پزشکی از دنیا رفت، در یادداشتی بلند در روزنامه شرق نوشت که در زمان بیماری گلشیری، شواهد حاکی از آن بود که نمونه‌برداری از عفونت ریه، آبسه را پاره کرده و عفونت به مغز رفته بود. او از خطای پزشکی در مرگ گلشیری سخن رانده بود. 3 سال پیش باربد (فرزند هوشنگ گلشیری) نیز در دوماهنامه مروارید از این قصور پزشکی نوشت.

فرزانه در پاسخ به همشهری در این‌باره می‌گوید: «در مورد پرونده پزشکی گلشیری، بیمارستان ایران‌مهر مسئولیتی ندارد. کار از خیلی پیش‌تر خراب شده بود. از همان پزشکان بیرون و بعد هم بیمارستان مهر که به‌دلیل خرابکاری‌های قبلی دکتر همان بیمارستان [که البته بگویم دکتر پارسا در این مورد با من هم نظر نیست] کارش به آنجا کشید». او اعتقاد دارد پیگیری موضوع از بیمارستان هم بی‌فایده است و ادامه می‌دهد: «بیا باید در سالروز تولدش زنده‌بودنش را تا به این زبان می‌نویسند بزرگ بداریم».

بعد از او

بعد از او دوستانش برایش مرثیه‌ها سرودند و نوشتند. رضا براهنی برایش نوشت: «مرگ هوشنگ گلشیری مرگ هر کسی نیست. موت نویسنده است که موت‌الاکبر است؛ آری، موت‌الاکبر است و مرگ گلشیری مرگ هر نویسنده‌ای نیست».

گلشیری از خرداد 78 سردبیری ماهنامه کارنامه را عهده‌دار بود. عمران صلاحی در شماره بعد از گلشیری نامه‌ای برایش نوشت: «... شما با ما شوخی کرده‌اید. آخر چه معنی دارد که به این زودی بگذارید بروید. ما تازه جای دم کرده‌ایم و منتظریم بچه‌ها داستان بخوانند. اهل قلم از ترس شما جرأت نمی‌کردند بد بنویسند. ما مطمئنیم بعد از این هم جرأت نخواهند کرد، چون شما همچنان حضور دارید...».

مرگ او تراژدی بزرگی برای ادبیات داستانی ایران بود، اما به قول حمید نعمت‌اللهی که همان سال در ماهنامه کلک نوشته بود: «پاره‌ای مرگ‌ها هست که عین زندگی است». کسی مرگ تقویمی گلشیری را جدی نگرفت. شاگردان او و همسرش راه او را ادامه دادند و نتیجه 40 سال نوشتن‌هایش و کتاب‌هایش راهگشای هر فرد اندیشمندی خواهد بود. اما راستی بعد از او چه‌کسی نوید به ما خواهد داد که «بهار دارد می‌رسد/ روز میلاد اقای‌ها/ جشن می‌گیرد/ و بهار/ روی هر شاخه و کنار هر برگ/ شمع روشن کرده است».

نگاه

مننژیت بر اثر ضربه یا بیماری زمینه‌ای بروز می‌کند

می‌گویند هوشنگ گلشیری بر اثر ابتلا به مننژیت که عامل بروز آن انتقال عفونت از ریه به مغز بوده است، از دنیا رفته. خانواده او معتقدند این اتفاق به‌دلیل قصور پزشکی و اشتباه در نمونه‌برداری از آبسه ریه رخ داده است. وقتی با یک پزشک درباره بیماری مننژیت صحبت می‌کنیم می‌گوید که انتقال عفونت از ریه به مغز، از نظر علمی امکان‌پذیر است، اما به‌شدت احتمال آن کم است. دکتر احمد اکبرزاده با بیان اینکه بروز مننژیت در سن بالا خیلی نادر است، می‌گوید: در این سن و سال اگر افراد مننژیت بگیرند حتماً باید ضربه یا ترومایی به سر آنها وارد شده باشد یا اینکه سیستم ایمنی بدن آنها از قبل دچار اختلال باشد تا عفونت منتقل شود. انتقال عفونت به‌صورت خودبه‌خودی به‌دلیل پاره شدن آبسه ریه خیلی بعید است. البته از نظر پزشکی احتمال هیچ‌چیز صفر نیست. این پزشک به زبان خیلی ساده درباره مننژیت می‌گوید: «چند لایه در جمجمه وجود دارند که به مغز چسبیده‌اند و از مغز در برابر ضربه‌ها یا عفونت‌ها محافظت می‌کنند. عفونت باید از سد این پرده‌های دفاعی بگذرد. وقتی این پرده‌ها عفونی می‌شوند می‌گوییم بیمار دچار مننژیت شده است. خود مغز هم ممکن است دچار عفونت شود که در بزرگسالان می‌تواند به مرگ هم منجر شود».